فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، پیاپی ۲۰
صفحات ۵۸-۴۱

تحلیل ساختار فضایی ناحیه خمین با تأکید بر برنامه‌ریزی فضایی

عباس سعیدی؛ استاد گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
عبدالرضا رحمانی فضلی؛ دانشیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
فرهاد عزیزپور؛ استادیار گروه جغرافیای انسانی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
مصطفی بیات*؛ دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۷/۲۲ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۱۲/۱۴

چکیده

نگاه‌های حاکم بر برنامه‌ریزی توسعه خمین طی چند دهه گذشته مبتنی بر ثبات و فقدان جامع‌نگری بوده است و تنها با تکیه بر حرکت از وضعیت فعلی به وضعیت مطلوب، سعی در چیدمان مجدد فضا داشته‌اند، در صورتی که پویایی جزء ذاتی سازمان فضایی حاکم بر ناحیه است و تنها با تکیه بر رویکردی پویا و ارائه آینده‌ای چندگانه قادر خواهیم بود که به برنامه‌ریزی فضایی توسعه پایدار سکونتگاه‌ها روستایی ناحیه دست یابیم. هدف پژوهش حاضر شناخت و تحلیل ساختار فضایی ناحیه خمین در چارچوب پویش ساختاری- کارکردی است. تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی با جنبه نظری و کاربردی است. جامعه آماری پژوهش ۱۴۲ روستای دارای سکنه با مجموع ۳۲۰۹۲ نفر جمعیت و ۱۰۱۲۱ خانوار در شهرستان خمین است که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی تصادفی و نمونه‌گیری ناحیه‌ای ۲۱ روستا به عنوان نمونه انتخاب شده است. جمع‌آوری اطلاعات به روش اسنادی و میدانی بوده است. در روش اسنادی سوابق آماری، کارهای صورت گرفته در دانشگاه‌ها و مؤسسات و اطلاعات موردنیاز در این زمینه از طریق سازمان‌هایی از قبیل: مرکز آمار ایران، جهاد کشاورزی شهرستان، فرمانداری شهرستان و بخشداری دو بخش و در روش میدانی نیز جمع‌آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه روستا(دهیار و شورای روستا) بوده است. به منظور پهنه بندی ناحیه خمین از آمارهای فضایی استفاده شده و همچنین به منظور سطح‌بندی سکونتگاه‌های ناحیه خمین، از روش سطح‌بندی بر اساس شاخص‌های خدمات و جمعیت استفاده شده است. در این راستا، نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که مجموع ساختارهای محیطی ـ بوم شناختی(توپوگرافی، منابع آب و خاک) و انسانساخت (راه‌های ارتباطی، خدمات و صنایع) در سطح ناحیه موجب شکل‌گیری عرصه‌هایی شده است که تمرکز جمعیت، خدمات و نقاط سکونتگاهی را در عرصه دشتی و مرکزی ناحیه به دنبال داشته است؛ پیامد حاصل از آن نیز موجب شکل‌گیری نابرابری فضایی، فشار بیش از حد بر منابع محیطی در قسمت دشتی، رها شدگی و تخلیه جمعیتی سکونتگاه‌ها در سایر عرصه‌ها بوده است.

واژگان کلیدی: ساختار فضایی، پویش ساختاری - کارکردی، برنامه‌ریزی فضایی، ناحیه خمین.

* bayat6669@gmail.com

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

۱) مقدمه

جهان ما با پیشرفت‌ها، چالش‌ها و فرصت‌هایی روبه‌رو است که مستقیم یا غیرمستقیم شهرها و مناطق را تحت تأثیر قرار می‌دهد: رشد پیچیدگی‌ها (افزایش فنّاوری‌های جدید، تغییر در فرآیندهای تولید، بحران دموکراسی و ناهمگنی، جهانی‌شدن فرهنگ و اقتصاد، افزایش هزینه‌های انرژی)، بحران‌های مالی و اقتصادی متعاقب آن، توسعه نامتعادل مداوم (محرومیت، فقر شهری و مهاجرت)، مشکلات چندپارگی، سالخوردگی جمعیت در برخی مکان‌ها و ورود جوان‌ترها و زنان به بازار کار در سایر مکان‌ها و افزایش علایق (در همه سطوح محلی تا جهانی) در حوزه مسائل محیطی (گرم شدن جهانی، سیل، آلودگی هوا و آب) از آن جمله است (Albrechts,2015:104). در واقع در چند دهه اخیر رشد پیچیدگی-های ناشی از مسائل و مشکلات حاکم بر سکونتگاه‌های انسانی، افزایش نگرانی از دگرگونی سریع و اتفاقی، مشکلات نبود هماهنگی در سطوح برنامه‌ریزی و در نهایت تأکید مجدد به تفکر بلندمدت با هدف بازگشت به روش واقعی‌تر و مؤثرتر، همه لزوم توجه جدی به دستورالعمل‌های برنامه‌ریزی فضایی را مطرح کرده است (Albrecht,2004: 743).

بر این مبنا برنامه‌ریزی فضایی"فرایندهای اجتماعی ـ فضایی[1] است که از طریق آن دامنه‌ای از افراد در روابط نهادی گوناگون و موقعیت‌ها کنار یکدیگر جمع می‌شوند تا فرایندهای ایجاد برنامه را طراحی کنند و محتوا و استراتژی‌هایی را برای مدیریت تغییرات فضایی توسعه دهند؛ فرصتی را برای ایجاد ایده‌ها و فرایندهای جدید که آنها را جلو ببرد، بدست آورند؛ تلاش‌های همگانی برای ادراک مجدد شهر، منطقه شهری یا منطقه و برای ترجمه نتایج به‌صورت اولویت‌بندی برای محدوده سرمایه‌گذاری، مقیاس محافظت، سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی استراتژیک و اصول تنظیم کاربری اراضی ارائه دهند (Healey,1997:18). همچنین برنامه‌ریزی فضایی به دنبال این اهداف است:

- اصلاح ساختارهای فضایی با توجه ویژه به بستر محیط طبیعی و ویژگی‌های اجتماعی ـ اقتصادی نظام‌های فضایی(منطقه، ناحیه، شهر و روستا)؛
- انتظام مکانی ـ فضایی فعالیت‌های مختلف اجتماعی‌ـ اقتصادی در سطوح مختلف سرزمین؛ و
- نظم‌بخشی به روابط و کارکردهای فضایی از طریق سطح‌بندی سلسله مراتبی سکونتگاه‌های شهری و روستایی(سعیدی،۱۳۹۱ :۱۳).

در واقع برنامه‌ریزی فضایی که آگاهانه، هوشمندانه و بر مبنای برنامهٔ اندیشیده باشد، می‌تواند نظام فضایی را به‌سوی تحول مثبت به‌پیش برد. در شرایط برنامه‌های اندیشیده، هدف اصلی از این دگرگونی‌ها و برپایی نظام‌های فضایی تازه، بهبود ساختارها و گسترش روابط و فعالیت‌ها خواهد بود. نتیجه چنین تغییری می‌تواند به آسایش، آرامش، رفاه و برخورداری بیشتر افراد و گروه‌های ذی‌ربط منتهی شود. بدین-

[1] sociospatial

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

سان، هدف از توسعهٔ فضایی، بسط عدالت و رفاه و به مفهوم روشن‌تر، "عدالت فضایی" است. در این راستا، هر نوع برنامه‌ریزی سکونتگاهی بایستی "برنامه‌ریزی توسعه" باشد و هدف غایی از آن، ارتقاء شان انسانی است (سعیدی،۱۳۹۳ :۶).

برنامه‌ریزی فضایی در دهه‌های اخیر در بسیاری از کشورها با اقبال عمومی روبه‌رو شده است و هدف اکثر آنها ترغیب برای اتخاذ نوعی منطق فضایی سازگارتر با محیط برای مدیریت کاربری اراضی، حفاظت از منابع و سرمایه‌گذاری در احیای منابع و زیرساخت‌ها است(سعیدی،۱۳۸۹ :۵). از این، جهت شناخت و تحلیل ساختار و کارکرد فضایی سکونتگاه‌ها و نواحی روستایی و نهایتاً کوشش در راستای ساماندهی ساختاری‌ـعملکردی و بهبود بخشی به روابط و مناسبات حاکم بر آنها، از اهّم اموری است که بدون توجه به آن، زمینه‌سازی مناسب برای بهسازی و نهایتاً توسعه پایدار روستایی تحقق نخواهد یافت(سعیدی،۱۳۸۴ :۵۵).

ناحیه خمین از جمله نقاط سکونتگاهی است که دارای قدمت سکونتی بالایی است. عبور سرشاخه اصلی قم رود و یکی از شاخه‌های اصلی جاده ابریشم موجب شده است که این ناحیه از دیرباز مورد توجه برای استقرار جمعیت قرار گیرد. وجود منابع آب و خاک و عبور راه‌های ارتباطی موجب شد که شهر خمین به عنوان نقطه شهری غالب در دهه‌های گذشته دارای رشد قابل توجهی باشد و همین امر به دنبال خود جذب جمعیت، خدمات و صنایع را برای این نقطه شهری در پی داشته است. تبعات ناشی از این امر موجب ایجاد عدم تعادل و سازمان فضایی نامطلوب در سطح ناحیه شده است. بر این اساس، شناخت و تحلیل ساختار فضایی این ناحیه نخستین گام در جهت رفع نابرابری‌ها و تعادل بخشی به عرصه‌های فضایی آن است.

هدف این پژوهش، شناخت و تحلیل ساختار فضایی حاکم بر ناحیه خمین در چارچوب پویش ساختاری ـ کارکردی به عنوان رویکرد بدیل به برنامه‌ریزی فضایی است. بر این اساس، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی این پرسش‌ها بوده که: "ساختار فضایی ناحیه خمین در چارچوب پویش ساختاری – کارکردی از چه خصایصی برخوردار است؟" و "این خصایص بسترساز چه پیامدهایی در ناحیه شده است؟"

۲) مبانی نظری

نظام مجموعه‌ای از ساخت‌ها، روندها و فعالیت‌های مرتبط و هم پیوند که با تشکیل کلیتی یکپارچه، دسته‌ای از روابط و کارکردها را امکان‌پذیر می‌سازد (سعیدی،۱۳۹۱ :۱۲). بر این اساس پدیده‌های جغرافیایی، اعم از طبیعی ـ اکولوژیک و یا اجتماعی ـ اقتصادی، حاوی خصلت و قانونمندی‌های نظام‌ها هستند و ازاین‌رو، نظاموار عمل می‌کنند. بنابراین، علم جغرافیا که به بررسی و شناخت این گونه پدیده‌ها

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

تأکید دارد، در عمل "نظام‌های جغرافیایی" یا به زبان بهتر، "نظام‌های فضایی" را مورد توجه و بررسی دارد (همانجا:۵-۴ ؛سعیدی، ۱۳۹۳ :۴). در نظام ارتباط و بستگی اجزاء امری ناگزیر است. همچنین، از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده هر نظام، ساختار و کارکرد آن است (سعیدی و همکاران،۱۳۹۲ :۹). ساختار فضایی شامل "*ابعاد بسترساز روابط و مناسبات اجتماعی ـ اقتصادی*" و کارکرد فضایی نیز شامل "*مجموعه فعالیت‌ها و روابط حاکم بر آنهاست*". ساختارها و کارکردهای هر نظام نیز شامل ساخت‌ها و کارکردهای *عینی*ـ *ذهنی* است(سعیدی، ۱۳۹۰؛۱۳۹۱ و ۱۳۹۲). در نظام‌های مکانی- فضایی نحوه ادراک ساخت‌ها به روابط و مناسبات اجتماعی و فرهنگی افراد و گروه‌ها و نحوه بهره‌گیری از آنها نیز به دامنه شعوری و آگاهی آنها بستگی دارد. بر این اساس فضاهای گوناگونی متجلی می‌شود. از آنجا که خصلت بنیادین همه نظام‌ها، ازجمله نظام فضایی، پیوستگی درونی اجزای مختلف آن‌هاست، بین ساختارهای مختلف و کارکردهای گوناگون هر نظام، نوعی هم‌پیوندی و همنوایی برقرار است(سعیدی،۱۳۹۳ :۵). در واقع هر جز ساختاری، جز کارکردی خود و روابط حاکم بر آن را امکان‌پذیر یا پدیدار می‌سازد و بالعکس(همانجا :۶). البته باید اشاره نمود که ساخت‌ها و کارکردهای یک نظام مکانی ـ فضایی در خلاء به فعالیت نمی‌پردازد بلکه همواره با نظام‌های دیگر در تعامل هستند. بدین ترتیب، نظام‌های مکانی ـ فضایی متأثر از دو دسته نیرو هستند عوامل و نیروهای درونی و عوامل و نیروهای بیرونی. *انسجام و استحکام ساختاری و توانمندی کارکردی* نظام‌های مکانی- فضایی در تعیین گستره محیط آنها نقش بنیادی بر عهده دارد. همچنین کلیت نظام فضایی، در محیط خود، در "*تعاملی چندبعدی و بسیار پیچیده*" بین اجزای گوناگون محیطی- اکولوژیک و اجتماعی- اقتصادی قرار دارد که در نتیجهٔ آن، با نوعی پویایی درگذر زمان تغییر می‌پذیرد(سعیدی،۱۳۹۰ و ۱۳۹۱). دیدگاه پویش ساختاری ـ کارکردی بر قانون‌مندی‌هایی استوار است که شامل:

- بین بسترهای عینی یک پدیده(ساختار آن) و فعالیت‌پذیری و تحقق روابط (کارکرد) آن پیوند بی‌چون‌وچرا برقرار است؛
- بدون عنایت به ویژگی‌های ساختاری یک نظام مکانی‌ـفضایی، نمی‌توان انتظار هرگونه کارکردی دلخواه را داشت؛
- برای ایجاد دگرگونی مثبت (توسعه) در کلیت نظام مکانی- فضای، اعم از شهر و روستا، تحول ساختاری ـکارکردی الزامی است (سعیدی،۱۳۹۰ :۱۴).

فرض اساسی نظریه "پویش ساختاری- کارکردی" بر این واقعیت استوار است که "میان ساختار و کارکرد تمام پدیده‌های جغرافیایی، در اینجا نظام‌های فضایی، همچون شهرها، روستاها، مناطق و نواحی، نوعی پیوند تنگاتنگ و غیرقابل‌انکار برقرار است".

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

بدین ترتیب، دیدگاه حاکم بر پویش ساختاری- کارکردی، نگاه مبتنی بر درک درست از فضا به عنوان پدیده‌ای نظاموار و روی آوری جدی به برنامه‌ریزی فضایی است (سعیدی،۹۲-۹۱- ۱۳۹۰). با توجه به تعریف، برنامه‌ریزی فضایی شامل روش‌هایی است که از طریق بخش عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرد برای اینکه توزیع آینده فعالیت‌ها را در فضا یا فضاها تحت تأثیر قرار دهند. این برنامه‌ریزی باهدف ایجاد سازمان‌دهی منطقی‌تر کاربری‌های اراضی سرزمین و پیوند بین این کاربری‌ها در جهت اینکه تقاضاها را برای توسعه با نیاز به حفظ محیط و دستیابی به اهداف اجتماعی، اقتصادی تعادل بخشد. همچنین شامل سنجش‌هایی است برای هماهنگ کردن تأثیرات فضایی سایر سیاست‌های بخشی به‌منظور دستابی به توزیع مساوی‌تر توسعه اقتصادی بین مناطق و تنظیم تغییر کاربری‌های زمین و دارایی‌هاست (جامعه اروپا،۱۹۹۷). بر اساس شالوده‌ای که در پیش نهاده شد، اهداف اصلی برنامه‌ریزی فضایی و به تبع آن، آنچه که پویش ساختاری- کارکردی در پی شناخت آن است، عبارتند از:

- اصلاح ساختارهای فضایی با توجه ویژه به بستر محیط طبیعی و ویژگی‌های اجتماعی- اقتصادی نظام‌های فضایی (منطقه، ناحیه، شهر و روستا)؛
- انتظام مکانی-فضایی فعالیت‌های مختلف اجتماعی-اقتصادی در سطوح مختلف سرزمین؛ و
- نظم بخشی به روابط و کارکردهای فضایی از طریق سطح بندی سلسله مراتبی سکونتگاه‌های شهری و روستایی.

از آنجا که نیازهای جوامع و گروه‌های انسانی، به واسطهٔ پویش ذاتی خود، دائماً در حال تغییر و دگرگونی هستند، فضاهای برپا شده، به مثابهٔ نظام‌های فضایی نیز به تبع آن، در طول زمان تحول می‌پذیرند. در این راستا رویکردها و نگاه‌ها به برنامه‌ریزی فضایی نیز پیوسته در حال تغییر هستند. مطالعات صورت گرفته در سطح جهان نشان می‌دهد که رویکرد استراتژیک برای تنظیم کاربری زمین و سرمایه‌گذاری در توسعه فضایی شهر و منطقه در بسیاری کشورهای اروپایی در دهه ۱۹۶۰ حکمفرما بود. در دهه ۱۹۸۰ انگیزه استراتژیک در بسیاری از مکان‌ها لغو شد و گرایش به سمت پروژه‌های شهری و منطقه‌ای افزایش یافت. اما در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ رویکرد استراتژیک برای سازمان‌دهی فضای شهر و منطقه مجدداً شایع شد. این تلاش‌های جدید در برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک به‌صورت قابل‌توجهی در فرایندها و دستورالعمل‌های سیاسی از آنچه که در دهه ۱۹۶۰ حاکم بود متفاوت ظاهر شد. درواقع برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک نقش ارزشمندی را در فهم نگرانی‌های اقتصادی، محیطی و اجتماعی-فرهنگی معاصر درباره کیفیت مکان‌ها بازی می‌کند. برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک همچنین می‌تواند روش روشن، منصفانه و قانونمندی را برای شناخت و پاسخگویی به ذی نفعان، علایق و تضاد ارزش‌های چندگانه که در مناطق شهری افزایش‌یافته است، فراهم کند(Healey,1997:3-4). روش‌های برنامه‌ریزی در دهه‌های اخیر با استفاده‌های جدید از مکان، بر اساس پویایی، ساخت‌های رابطه‌ای به‌جای

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

استفاده‌های اقلیدسی، جبری و تک‌بعدی که از رویکردهای علمی دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ به ارث رسیده بودند، مداخله می‌کنند. اما این روش‌های برنامه‌ریزی ظاهر شده، به صورت خیلی ضعیفی از طریق تئوری‌های برنامه‌ریزی مورد استفاده قرار می‌گیرند که تا کنون موفق به تولید مفاهیم ادراکی قوی و ماهرانه مکان در دنیای جهانی شده، نشده است(Graham & Healey,1999:623). آلبرشتس و همکاران[1] در سال۲۰۰۳ تجربیات جدید برنامه‌ریزی و توسعه چارچوب‌های توسعه فضایی استراتژیک را برای مناطق شهری در اروپا مورد بحث قرار می‌دهند. آنها زمینه‌ها و نیروهای پشت سر احیای علایق در برنامه‌ریزی فضایی را تبیین می‌کنند(Albrechts et al,2003:113). هیلی[2] نیز در سال ۲۰۰۴ ابتدا به ارائه تعاریف فضا، برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی فضایی و استراتژی پرداخته است و سپس رویکردهای حاکم در این زمینه در استفاده از این اصطلاحات در جغرافیای رابطه‌ای و مطلق را بیان نموده است(Healey,2004). آلبرشتس[3]در سال ۲۰۰۴ در ابتدا به بیان اهداف برنامه‌ریزی کاربری زمین و طبقه‌بندی نظام برنامه‌ریزی کاربری زمین در اروپا می‌پردازد. انتقادهای مرسوم درزمینهٔ برنامه‌ریزی کاربری زمین را بیان می کند و سپس به برنامه‌ریزی استراتژیک و ادبیات آن می‌پردازد. هدف اصلی نویسنده فراهم کردن عناصر اصلی برای برنامه‌ریزی فضایی استراتژیک جایگزین است. این امر بر اساس دو منبع متفاوت است: اولین، ادبیات برنامه‌ریزی انتقادی و تفکر استراتژیک در تجارت که برای گسترش دامنه مفهوم استراتژیک مورد استفاده قرار می‌گیرد. دومین منبع، شامل روش‌های برنامه‌ریزی استراتژیک در اروپا است(Albrechts,2004). سیمین داوودی و استرنج[4] (۲۰۰۸) به آزمون مفاهیم فضا و مکان و اینکه کدام مفهوم فضا و مکان برای تنظیم استراتژی‌ها تنظیم‌شده و ارائه‌شده را استخراج می‌کنند و قابلیت تنش و/ یا همکاری بین این مفاهیم را ترسیم می‌کند(Davoudi & Strange, ۲۰۰۸). آلدن و دیگران[5] (۲۰۱۲) در ارتباط با اروپایی سازی برنامه‌ریزی فضایی، حرکت از برنامه‌ریزی کاربری زمین به طرف برنامه‌ریزی ساختار فضایی، توسعه منطقه‌ای و برنامه‌ریزی فضایی در پیرامون سلتیک، توسعه منطقه‌ای و برنامه‌ریزی فضایی در بالتیک و چالش‌های اصلی برای آینده مباحثی را مطرح نموده‌اند(Alden, ۲۰۱۲).

همچنین حمصی در سال ۱۳۵۳ در راستای انتظام مکانی ـ فضایی کشور بیان می‌کند که مبتنی بودن تغییرات تقسیمات کشوری تنها بر ضروریات اداری و سیاسی از کارائی لازم برخوردار نیست و نیازمند این است که شاخص‌های دیگری را برای تقسیم بندی ارائه دهیم و در این راستا هدفمند عمل کنیم(حمصی, ۱۳۵۳). ژروم و پاژک نیز در سال ۱۳۷۳ به ارائه راهکار آمایش سرزمین در راستای توزیع فعالیت‌ها پرداخته‌اند و تنها به تجربیات فرانسه در این خصوص پرداخته‌اند(ژروم و پاژک, ۱۳۷۳). توفیق در سال

[1] Albrechts, Louis et al
[2] Patsy Healey
[3] Albrechts, Louis
[4] Davoudi, S., & Strange, I.
[5] Alden et al

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

۱۳۸۴ به ارائه تجربه سایر کشورها در خصوص برنامه‌ریزی پرداخته است و نهایتاً به انطباق این تجربیات با شرایط ایران پرداخته است(توفیق، ۱۳۸۴). همچنین سعیدی در سال ۱۳۹۱ پویش ساختاری ـ کرکردی را به‌عنوان راهبردی بدیل در برنامه‌ریزی فضایی ارائه می‌دهد و در سال ۱۳۹۲ به شرح و تبیین مفاهیم کلیدی مطرح در مباحث مربوط به فضا و برنامه‌ریزی فضایی در چارچوب جغرافیای کاربردی می‌پردازد(سعیدی, ۱۳۹۱ الف، ۱۳۹۱ ب ـ ۱۳۹۲).

بر این اساس با توجه با پژوهش‌های صورت گرفته در سطح جهان و ایران مشخص می‌شود که این پژوهش‌ها بیشتر به بررسی وضعیت برنامه‌ریزی فضایی در کشورهای مختلف، نیروهای حاکم بر آن و رویکردهای حاکم بر برنامه ریزی فضایی می‌پردازند. پژوهش حاضر با توجه به رویکرد پویش ساختاری ـ کارکردی که در سال ۱۳۹۰ توسط دکتر سعیدی مطرح شده است به دنبال شناخت و تحلیل ساختار فضایی ناحیه خمین در راستای حرکت به طرف برنامه‌ریزی فضایی است. با توجه به اینکه تاکنون در این حوزه و در ناحیه خمین چنین پژوهشی صورت نگرفته است می‌تواند نوآوری این پژوهش قلمداد گردد.

۳) روش تحقیق

با توجه به مسئله مورد بررسی، نوع تحقیق بر اساس روش از نوع توصیفی-تحلیلی و هدف بنیادی-کاربردی است. جامعه آماری پژوهش ۱۴۲ روستای دارای سکنه با مجموع ۱۰۱۲۱ خانوار و ۳۲۰۹۲ نفر جمعیت در شهرستان خمین است. با استفاده از روش نیمن، ۲۱ روستا به عنوان نمونه تعیین شده‌اند. برای نمونه‌گیری روستاها در سطح شهرستان از روش طبقه‌بندی تصادفی - که در آن عامل تعداد خانوار به‌عنوان معیار انتخاب شده بود- استفاده شده است. همچنین در این سطح، از نمونه‌گیری ناحیه‌ای[1] برای توزیع روستاهای نمونه در دهستان‌های مختلف و دامنه جمعیتی مختلف استفاده شده است. داده‌ها و اطلاعات مرتبط در روستاهای نمونه از دهیار و رئیس شورا جمع آوری شد.

جمع‌آوری اطلاعات به روش اسنادی و میدانی انجام شد. در روش اسنادی، سوابق آماری، کارهای صورت گرفته در دانشگاه‌ها و مؤسسات و اطلاعات موردنیاز در این زمینه از طریق سازمان‌هایی از قبیل: مرکز آمار ایران، جهاد کشاورزی شهرستان، فرمانداری شهرستان و بخشداری دو بخش(بخش کمره و بخش مرکزی) شهرستان و دهیاری‌های روستاهای نمونه مورد بررسی قرار گرفت و داده‌ها و اطلاعات مرتبط با استفاده از فن فیش برداری و ابزار فیش استخراج شده است. در روش میدانی برای جمع‌آوری اطلاعات از فن پرسشگری و ابزار پرسشنامه بهره‌گیری شد. به منظور سنجش سطح روایی پرسشنامه، این ابزار تحت داوری چندین متخصص این حوزه قرار گرفته است. برای بررسی پایایی ابزار سنجش از ضریب

[1] Area sampling

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

آلفای کرونباخ استفاده گردید که بر اساس این آزمون، میزان پایایی ابزار پژوهش برابر با ۰/۷۳۳ یعنی در سطح قابل قبول به دست آمد.

به منظور تحلیل ساختار فضایی، در پهنه‌بندی ناحیه خمین از مدل میان‌یابی ناحیه‌ای و در سطح-بندی سکونتگاه‌های ناحیه خمین از «روش سطح‌بندی بر اساس شاخص‌های خدمات و جمعیت»[1] استفاده شده است. در کاربرد مدل میان‌یابی از سیستم اطلاعات جغرافیایی استفاده شده است.

شهرستان خمین بر اساس آخرین تقسیمات اداری – سیاسی کشور تا پایان سال ۱۳۹۰ دارای دو شهر به نام‌های خمین و قورچی باشی (خرمدشت) و۱۴۲ آبادی دارای سکنه و هفت دهستان بوده است. محدوده موردمطالعه از دو عرصه دشتی و کوهستانی تشکیل‌شده است. بررسی نحوه استقرار سکونتگاه‌های روستایی ناحیه خمین بیانگر این است که ۹۲/۱ درصد از سکونتگاه‌ها در قسمت دشتی ناحیه واقع‌شده‌اند و تنها ۱۱ روستا با ۷/۹ درصد در قسمت دامنه‌ای و کوهستانی واقع شده‌اند. این ناحیه به لحاظ تاریخی و سابقه سکونت دارای قدمت طولانی است.

جدول شماره (۱): روند تحول نرخ رشد جمعیت شهرستان خمین (شهری و روستایی) طی دهه‌های ۹۰-۱۳۴۵

سنوات	رشد جمعیت کل شهرستان	رشد جمعیت نقاط شهری شهرستان	رشد جمعیت نقاط روستایی شهرستان
۱۳۴۵-۵۵	۲	۴/۰۶	۱/۵
۱۳۵۵-۶۵	۳/۸	۸/۸۷	۱/۸
۱۳۶۵-۷۵	۰/۶	۳/۶	-۱/۵
۱۳۷۵-۸۵	-۰/۸۴	۱/۲۸	-۳/۴۳
۱۳۸۵-۹۰	-۰/۲۷	۰/۸۸	-۳/۹۵

مأخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن شهرستان خمین ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

رایج‌ترین فعالیت اقتصادی در روستاهای ناحیه خمین کشاورزی است. طبق سرشماری ۱۳۹۰، ۶۱ ٪ معادل ۶۶۴۲ نفر در بخش کشاورزی، ۲۰/۶ ٪ معادل ۲۲۴۳ نفر در بخش خدمات و ۱۳/۳ ٪ معادل ۱۴۳۹ نفر در بخش صنعت در سطح روستاهای ناحیه شاغل هستند. مجموع اراضی کشاورزی در محدوده موردمطالعه (شهرستان خمین) برابر ۵۳۳۶۸ هکتار است. از این میزان اراضی ۴۰۵۰۰هکتار، معادل ۷۵/۹ درصد به اراضی آبی و ۱۲۸۶۸هکتار معادل ۲۴/۱ درصد به اراضی دیم اختصاص‌یافته است (جهاد کشاورزی شهرستان،۱۳۹۴).

[1] برای اطلاع بیشتر به کتاب سطح بندی روستاهای کشور که به کوشش آقای عباس سعیدی تألیف شده است، مراجعه نمایید. این کتاب توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۸۸ انتشار یافته است.

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

۴) یافته‌های تحقیق

۴-۱) ساختار فضایی محیطی ـ بوم‌شناختی ناحیه خمین

بر اساس وضعیت توپوگرافی و ارتفاعات بیشترین سطح ناحیه خمین یعنی ۷۸/۹ درصد از ناحیه در ارتفاع بین ۲۲۰۰-۱۶۰۰ متری و دارای موقعیتی دشتی است که ۱۳۳ روستا در آن استقرار یافته است و تنها ۷ روستا از ناحیه در قسمت با ارتفاع بالای ۲۲۰۰ متر استقرار یافته است. بیشترین تراکم جمعیت نیز در قسمت شرقی و مرکز ناحیه است و با حرکت به‌طرف غرب، شمال و جنوب ناحیه از شدت تراکم کاسته می‌شود. همچنین با افزایش ارتفاع تنوع شغلی کمتر می‌شود و بیشتر ساکنین در بخش کشاورزی مشغول به کار هستند و در ناحیه دشتی بخش خدمات و صنعت درصد بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد. درواقع، نزدیکی روستاهای ناحیه دشتی به شهر خمین موجب شده است که بخشی از نیروی کار این روستاها در شهر خمین مشغول شوند و همچنین برخی کاربری‌های صنعتی و خدماتی شهر خمین نیز در این روستاها استقرار یابد. ارتفاعات بر نوع منبع آب کشاورزی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه نیز تأثیر گذاشته است به‌گونه‌ای که در نواحی دشتی گرایش به‌طرف چاه بیشتر است و با توجه به حفر چاه اکثر قنات‌های ناحیه دشت خشک‌شده است(بیات،۱۳۹۰). در مقابل، در نواحی کوهستانی و دامنه‌ای گرایش به‌طرف قنات و چشمه و آب سطحی بیشتر است.

آب به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل مکان‌گزینی روستایی در ناحیه خمین عمل نموده است. به‌گونه‌ای که، دسترسی نسبتاً پایدار به منابع آب همه‌جا به جلب گروه‌های انسانی و استقرار آبادی‌های کوچک و بزرگ منجر شده است. بررسی وضعیت توزیع منابع آب و استقرار سکونتگاه‌های روستایی در ناحیه خمین نشان می‌دهد که بیش از ۸۰ روستا یعنی ۵۷/۱ درصد آنها در فاصله ۵۰۰ متری از آبراهه‌های اصلی استقراریافته‌اند. بزرگ‌ترین نقطه شهری ناحیه با جمعیت ۷۰ هزار نفر در کنار آبراهه اصلی که مجموع آب سرشاخه‌ها را جمع‌آوری می‌کند و از ناحیه خارج می‌شود، استقراریافته است. توزیع نقاط روستایی بر اساس جمعیت و آبراهه‌های اصلی ناحیه خمین نشان می‌دهد که تمام روستاهای بالای ۶۰۰ نفر جمعیت در حریم ۵۰۰ متری آبراهه اصلی قرارگرفته‌اند و همچنین چیزی در حدود ۴۹ روستای زیر ۳۰۰ نفر جمعیت نیز در حریم آبراهه اصلی قرارگرفته است. با توجه به اینکه زراعت پایه اقتصادی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه را تشکیل می‌دهد دسترسی به آب یکی از عوامل اصلی در استقرار سکونتگاه‌های روستایی ناحیه است.

بررسی وضعیت استقرار سکونتگاه‌های روستایی بر روی خاک‌های ناحیه خمین نشان می‌دهد که توزیع آبادی‌ها با وضعیت حاصلخیزی خاک‌های خمین رابطه معکوس دارد یعنی در قسمتی که خاک مناسب است تعداد آبادی‌ها کم و در قسمت‌هایی که خاک دارای حاصلخیزی کم است، تعداد آبادی‌های زیادی استقرار یافته است. دلیل عمده آن را می‌توان دشتی بودن خاک‌های با کیفیت حاصلخیزی متوسط

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

و اولویت دسترسی به منابع آب سطحی جهت اسکان جمعیت بیان نمود. بررسی ساختار فضایی محیطی ـ بوم‌شناختی نشان می‌دهد که ارتفاعات، منابع آب و خاک مهم‌ترین عناصری هستند که بر سایر عناصر ساختار اقتصادی و اجتماعی ناحیه خمین اثر می گذارد.

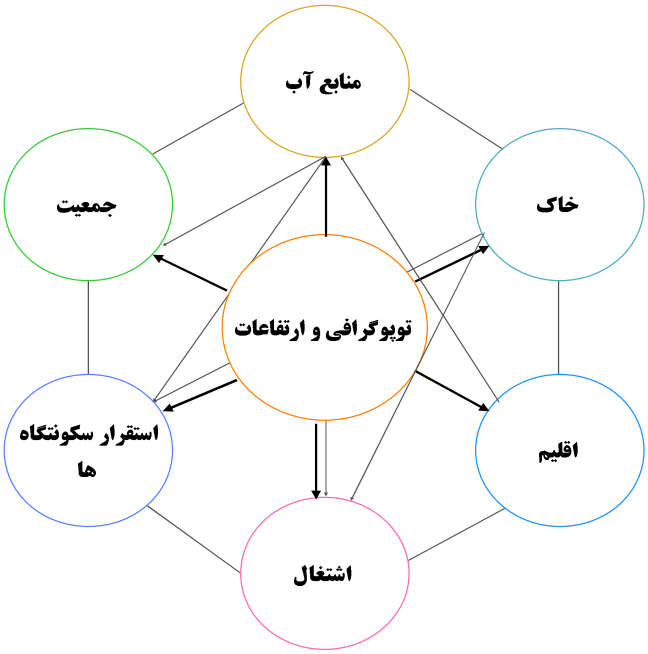

شکل شماره (۱): عناصر ساختار فضایی محیطی ـ بوم شناختی ناحیه خمین

بر این اساس در ناحیه خمین با توجه به استقرار اجزاء فضا نسبت به همدیگر و کنش متقابل بین این عناصر شاهد شکل‌گیری دو عرصه متفاوت هستیم:

عرصه کوهستانی: این عرصه شامل ارتفاعات شمال و شمال غرب و جنوب و جنوب غرب ناحیه می‌شود. با افزایش ارتفاع هم از تعداد سکونتگاه‌های روستایی و هم از تعداد جمعیت ساکن آن‌ها کم می‌شود. درواقع کم تراکم‌ترین پهنه‌های ناحیه را پهنه‌هایی با ارتفاع زیاد تشکیل می‌دهند. همچنین با افزایش ارتفاع تنوع شغلی کم می‌شود و بیشترین شاغلین روستا در بخش کشاورزی شاغل هستند و کم حاصلخیزترین خاک‌ها نیز در عرصه کوهستانی قرارگرفته‌اند. منابع مورداستفاده جهت کشاورزی نیز به‌صورت قنات و چاه است. عمدتاً آبادی‌هایی که در این عرصه قرارگرفته‌اند به‌نوعی بن‌بستی هستند و تعامل و ارتباطات اندکی با سایر روستاها و شهر خمین دارند.

عرصه دشتی: این عرصه ارتفاع کمتر از ۲۲۰۰ متر را شامل می‌شود. در این عرصه تمام سکونتگاه‌های با جمعیت بالا قرار دارد و تراکم تعداد سکونتگاه‌ها نیز به‌خصوص در مرکز و شرق ناحیه به‌شدت بالا است. شهر خمین با جمعیت بیش از ۷۰ هزار نفر در این عرصه استقراریافته است. اقلیم حاکم بر این ناحیه خشک و نیمه‌خشک است و منابع آبی که جهت کشاورزی

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

استفاده می‌شود عمدتاً شامل چاه‌های عمیق و نیمه عمیق می‌شود. همچنین بخش‌های اشتغال در این عرصه نیز دارای تنوع است. راه‌های ارتباطی درجه‌یک ناحیه که عمدتاً عملکرد شهرستانی و بین استانی دارند؛ در این عرصه شکل گرفته‌اند. الگوی توزیع سکونتگاه‌ها در این عرصه از الگوی آبراهه‌های اصلی ناحیه که آب را از ناحیه جمع‌آوری می‌کنند و نهایتاً از شرق خمین خارج می‌شود، تبعیت می‌کند. به صورتی که دارای الگوی جنوب غربی ـ شمال شرقی و شرقی ـ غربی هستند. همین امر باعث شده که توزیع خدمات نیز در سطح ناحیه از این الگوی پیروی کند.

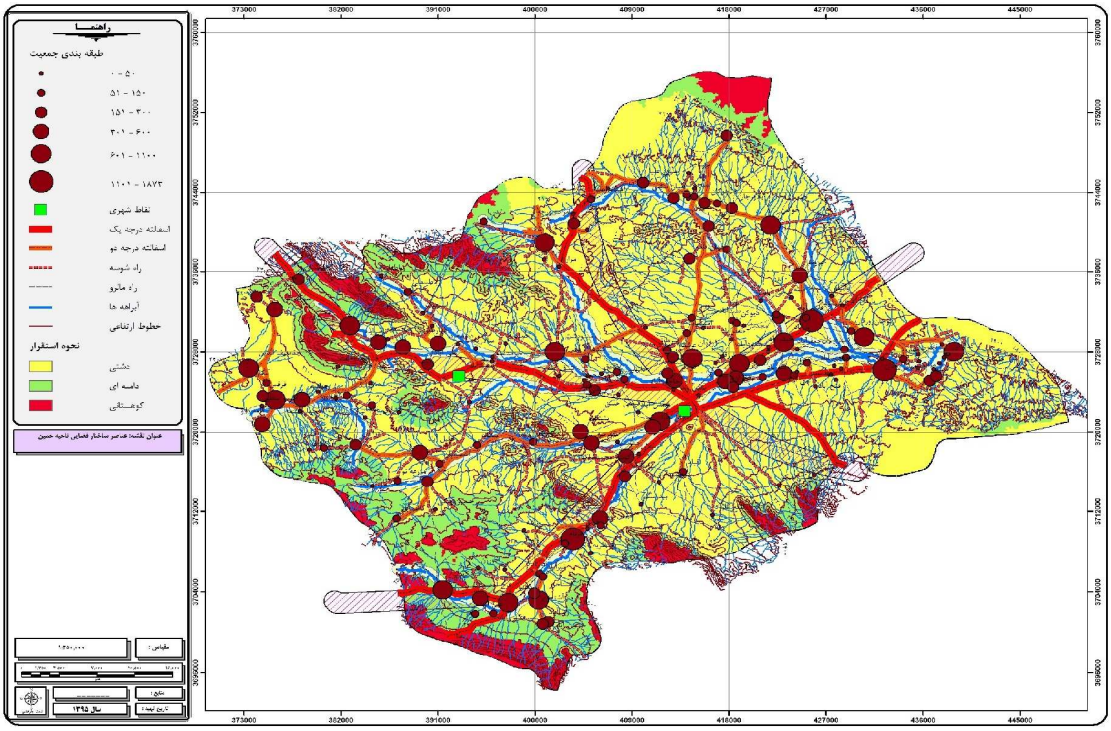

شکل شماره (۲): عناصر ساختار فضایی محیطی ـ بوم‌شناختی ناحیه خمین

۲-۴) ساختار فضایی اجتماعی ـ اقتصادی

بر اساس مطالعات صورت گرفته، کم‌ترین قدمت در بین سکونتگاه‌های روستایی ناحیه خمین مربوط به ۱۵۰ سال قبل و بیشترین آن ۳۰۰۰ سال قبل است. توزیع فضایی کانون‌های جمعیتی در ناحیه خمین نشان می‌دهد که این توزیع و تمرکز بیشتر در قسمت دشتی ناحیه صورت گرفته است به صورتی که بیشتر سکونتگاه‌های انسانی ناحیه خمین در این قسمت استقراریافته‌اند. عمده دلیل استقرار در این قسمت عبور رودخانه خمین از این قسمت و وجود سطحی هموار و دشتی است. به دلیل واقع‌شدن شهرستان خمین بین دو استان لرستان و اصفهان و قطب صنعتی کشور شهرستان اراک موجب شده است که برخی از راه‌های ارتباطی شهرستان عملکردی منطقه‌ای و بین استانی داشته باشند. همین امر بر تمرکز جمعیت در این قسمت مؤثر بوده است. کانون‌های مرکزی ناحیه خمین روستاهایی هستند که

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

همه به‌نوعی مرکز دهستان است. در این بین برخی از این روستاها مثل روستای شهابیه (**امیر مفخم و شهاب الدین خسروانی**) و دهنو (**امیر بهمن خان صمصام**) محل اقامت خوانین گذشته بوده است. همین امر موجب شده بود که این دو روستا پا به پای شهر خمین که به‌عنوان دارالحکومه ناحیه کمره بوده، رشد داشته باشند. تعداد روستاهای مرکزی در این ناحیه هفت روستای دهنو، فرنق، ریحان بالا، شهابیه، رباط مراد، چهارچشمه و خلیل آباد است. توزیع این سکونتگاه‌ها نیز به‌صورت خطی شمال شرقی ـ جنوب غربی ناحیه است و تنها دو روستای رباط مراد در شرق و چهار چشمه در غرب ناحیه به ارائه خدمات حوزه‌ای می‌پردازند. این توزیع خطی نیز به‌نوعی تابع توزیع خطی منابع آب‌وخاک و تراکم جمعیت در سطح ناحیه است. البته تعداد روستاهای کانونی در جنوب غرب ناحیه دو روستا در نزدیکی یکدیگر است که این امر ناشی از وجود منابع آب‌وخاک مناسب و تولیدات بیشتر اقتصادی است که موجب نگهداری جمعیت و افزایش تعداد خدمات حوزه‌ای شده است.

ناحیه خمین دارای یک شبکه راه ارتباطی تاریخی است که هم‌اکنون نیز این راه ارتباطی دو قطب اقتصادی کشور یعنی اصفهان و اراک را به یکدیگر متصل می‌نماید. شهرک صنعتی خمین و پتروشیمی خمین در نزدیکی این راه ارتباطی بارگذاری شده‌اند. عملکرد این راه ارتباطی منطقه‌ای و بین استانی است. نقش فعالیتی آن نیز بیشتر صنعتی است. این محور چندان بر عملکرد فضایی سکونتگاه‌های روستایی مستقر در کنار آن تأثیری نگذاشته است. البته روستاهای زیادی در ناحیه خمین در کنار این محور مستقر نیستند.

محور ارتباطی الیگودرز ـ محلات نیز از محورهای اصلی ناحیه است. این الگو با جهت شمال شرق به جنوب غربی ناحیه نقش قابل‌توجهی را در ارتباطات ناحیه بازی می‌کند. این الگو از الگوی منابع آب خمین و تراکم جمعیت تبعیت می‌کند. مهم‌ترین روستاهای پرجمعیت ناحیه روستای شهابیه، دهنو، فرنق، ریحان، حشمتیه، میشیجان، ورآباد و گوشه محمد مالک و شهر خمین در کنار این راه ارتباطی استقراریافته‌اند. بیشتر این سکونتگاه‌ها دارای حوزه نفوذ هستند و خدمات موجود در این سکونتگاه‌ها حوزه‌ای است. درواقع این راه یکی از ستون فقرات ناحیه خمین است که حجم قابل‌توجهی از ترددها بر روی این راه صورت می‌گیرد. این راه نیز دارای عملکردی فرا ناحیه‌ای است ولی نقش آن بیشتر ارتباطی و کشاورزی است.

محور ارتباطی خمین ـ شازند نیز شبکه ارتباطی روستاهای غرب ناحیه خمین با شهر خمین است. در کنار این محور ارتباطی شهر قورچی باشی، روستای لکان و خان آباد و لیلان، چهار طاق و طیب آباد استقراریافته است. این محور عملکرد فرا ناحیه‌ای ضعیفتری دارد چراکه جریان زیادی بین شهر خمین و شهر شازند وجود ندارد و بیشتر درون ناحیه است. نقش فعالیتی این محور کشاورزی است و تولیدات

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

روستاهای محدوده غرب را به شهر خمین انتقال می‌دهد. سکونتگاه‌های واقع شده در کنار این محور به جز شهر قورچی باشی نقش مرکزیتی ندارند و بیشتر خدمات موردنیاز خود سکونتگاه در آن قرار دارد.

محورهای ارتباطی درجه‌دو ناحیه خمین بیشتر نقش درون ناحیه دارند. این محورها موجب ارتباط روستاهای ناحیه خمین با شهر خمین و با یکدیگر است. درواقع این محورها چندان نقشی در گسترش عملکردهای محلی و ناحیه‌ای روستاهای محدوده بر عهده ندارند. دراین‌بین محور ارتباطی چهارچشمه ـ خمین و رباط مراد ـ خمین نقش بارزی در گسترش نقش محلی روستاهای مربوطه دارد.

الگوی محور ارتباطی خمین به صورت الگوی تار عنکبوتی است یعنی همه راه‌های ارتباطی ناحیه به یکدیگر متصل هستند و کلیه روستاها دارای راه آسفالته هستند. همچنین بر اساس شاخص میانگین نزدیکترین همسایه نیز محورهای ارتباطی ناحیه از الگویی خوشه‌ای برخوردار هستند. بر اساس مطالعات میدانی نیز روستاهای ناحیه به‌صورت میانگین ۵/۷ کیلومتر باهم فاصله دارد و میانگین فاصله با شهرهای پیرامون روستاهای ناحیه ۳۴ کیلومتر است و همچنین فاصله تا مرکز بخش نیز به صورت میانگین در بین روستاهای نمونه ۱۹ کیلومتر است.

۳-۴) جایگاه و سطح عملکردی سکونتگاه‌های ناحیه

بررسی سطح عملکردی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه و تعامل و ارتباط عملکردی آنها برگرفته از شاخص‌های خدمات نقطه‌ای و حوزه‌ای، ویژگی‌های تاریخی و قومی، جمعیت و شبکه دسترسی است. این سطوح عملکردی به شرح زیر است:

سطح اول، سکونتگاه‌های با عرصه عملکردی وسیع؛ در ناحیه خمین تنها سکونتگاهی که دارای این عرصه عملکردی است شهر خمین است این شهر با استقرار در عرصه دشتی و در کنار آبراهه و سرشاخه اصلی آب‌های سطحی خروجی از ناحیه خمین و همچنین قرارگیری در مرکز ثقل ناحیه و راه‌های ارتباطی اصلی ناحیه از گذشته به‌عنوان دارالخلافه ناحیه کمره بوده است و در حال حاضر نیز به‌عنوان بزرگترین شهر ناحیه است. با توجه به موقعیت قرارگیری این شهر نسبت به شهرهای اطراف(گلپایگان، اراک، محلات، ازنا، شازند، الیگودرز) که به طور متوسط ۵۰ کیلومتر با نقاط شهری اطراف فاصله دارد موجب جذب جریان‌های افراد و سرمایه از کانون‌های شهری پیرامون شده است. در داخل ناحیه نیز تمام سکونتگاه‌های روستایی ناحیه با توجه به میانگین فاصله ۴۰ کیلومتر تا دورترین نقطه با شهر خمین تحت سیطره این نقطه شهری قرار دارند.

سطح دوم، سکونتگاه‌های با عرصه عملکردی نسبتاً وسیع؛ در سطح بعدی شهر قورچی باشی، روستای دهنو، شهابیه و رباط مراد قرار دارند. این روستاها به دلیل قدمت بالا و مرکز استقرار خان های بختیاری حاکم بر روستاهای ناحیه درگذشته به‌نوعی از گذشته دارای مرکزیت بوده‌اند. باگذشت زمان این روستاها همچنان موقعیت خود را بین سکونتگاه‌های پیرامونی حفظ نموده‌اند.

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

البته این سکونتگاه‌ها تا دوره‌ای از تاریخ با شهر خمین در حال رقابت بوده‌اند و حتی خدماتی پا به پای خمین در خود جای‌داده‌اند ولی در دوره‌ای با افزایش جمعیت شهر خمین و مرکزیت سیاسی یافتن توان رقابت خود را از دست داده‌اند. در بین این نقاط روستای قورچی باشی با توجه به مرکز بخش کمره بودن در سال ۱۳۸۲ به نقطه شهری ارتقاء یافته است. ولی فعالیت غالب شهر کشاورزی است و جمعیت آن نیز چندان رشد نداشته است و حتی در بعد خدمات نسبت به روستاهای هم ردیف سطحی پایین‌تر را دارد.روستاهای شهابیه و دهنو و رباط مراد به دلیل قرارگیری در کنار محور ارتباطی اصلی ناحیه خمین و آبراهه اصلی خمین و سطح بالای خدمات در این سطح عملکردی جای گرفته‌اند.

سطح سوم، سکونتگاه‌های با عرصهٔ عملکردی متوسط؛ در سطح عملکردی متوسط روستاهای فرنق، چهارچشمه و ورچه قرارگرفته‌اند. این روستاها نسبت به روستاهای با سطح عملکردی وسیع تعداد خدمات حوزه‌ای کمتری دارند. در واقع این آبادی‌ها بیشتر دارای خدمات نقطه‌ای هستند در این سطح بین این سه روستا نیز تفاوتی وجود دارد. روستای چهارچشمه به عنوان مرکز دهستان چهارچشمه محسوب می شود و همین امر موجب اختصاص خدمات حوزه‌ای به این نقطه شده است. البته به دلیل نزدیکی این روستا به روستای جوادیه بسیاری از خدمات خود را به این روستا واگذار کرده است و همین امر موجب کاهش سطح عملکردی آن شده است. همچنین این روستا از شبکه دسترسی اصلی ناحیه به دور است و شبکه ارتباطی درجه‌دو ناحیه به این روستا متصل می‌شود. هرچند این روستا به لحاظ قدمت از گذشته به‌عنوان مرکز حوزه بوده است. به دلیل اینکه بخش غربی ناحیه خمین درگذشته جزئی از شهرستان بروجرد بوده است درنتیجه جریان‌های این قسمت نیز با عبور از این روستا به شهر بروجرد انتقال می‌یافته است ولی با تغییر تقسیمات سیاسی نقش کانونی این نقطه تا حدودی در سطح حوزه کاهش‌یافته است. روستای فرنق بر خلاف روستاهای دیگر این سطح به دلیل قرارگیری در کنار محور اصلی ارتباطی ناحیه و کیفیت مناسب آب و خاک و بالا بودن تعداد جمعیت که جزء چهار روستای بالای ۱۰۰۰ نفر ناحیه خمین است رشد قابل‌توجهی را در کنار روستای دهنو بدست آورده است. روستای ورچه نیز به دلیل قرار گیری در دشت و آب مناسب موجبات نگهداری جمعیت را در خود فراهم کرده است. این روستا دارای قدمت بالایی بوده است و در گذشته در مسیر کاروان‌های مسیر اصفهان به اراک و غرب کشور بوده است. همچنین پیوسته درگذشته مورد تاخت‌وتاز بختیاری‌های ساکن در غرب بوده است و چند بار روستا به کلی ویران شده است.

سطح چهارم، سکونتگاه‌های با عرصهٔ عملکردی محدود؛ این روستاها بیشتر دارای خدمات نقطه‌ای هستند و فقط یک الی دو مورد از آن‌ها دارای تعداد خیلی محدودی خدمات حوزه‌ای است. عرصه عملکردی آن‌ها محدود به خود روستا و نهایتاً چند روستای مجاور باشد. ۱۰ روستا در این سطح قرار دارند. دراین‌بین روستای جوادیه به دلیل اختصاص برخی خدمات دهستان

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

چهارچشمه و روستای چهارچشمه و روستای ریحان سفلی به دلیل بالا بودن جمعیت و نقش گردشگری که دارد دارای پاره‌ای از خدمات حوزه‌ای هستند.

سطح پنجم، سکونتگاه‌های فاقد عرصهٔ عملکردی؛ تعداد خیلی زیادی از سکونتگاه‌های روستایی ناحیه در این سطح عملکردی قرار دارند و در مجموع ۱۲۴ روستا از ناحیه در این سطح هستند که همه خدمات نقطه‌ای هستند. بر این اساس با توجه به تاثیر عناصر محیطی ـ بوم شناختی و انسانساخت در ناحیه خمین شاهد شکل گیری ساختار فضایی قطبی مبتنی بر مرکزیت شهرخمین با محوریت راه ارتباطی محلات‌ـالیگودرز هستیم. در واقع به دلیل تمرکز بیشتر خدمات و جمعیت در این نقطه شهری، قطب رشدی نمایان شده که پیوسته بر سلطه خود در چند دهه گذشته بر ناحیه افزوده است و سایر عرصه ها به خصوص عرصه های جنوبی، شمالی و غربی فاصله زیادی را با این عرصه خطی دارا هستند.

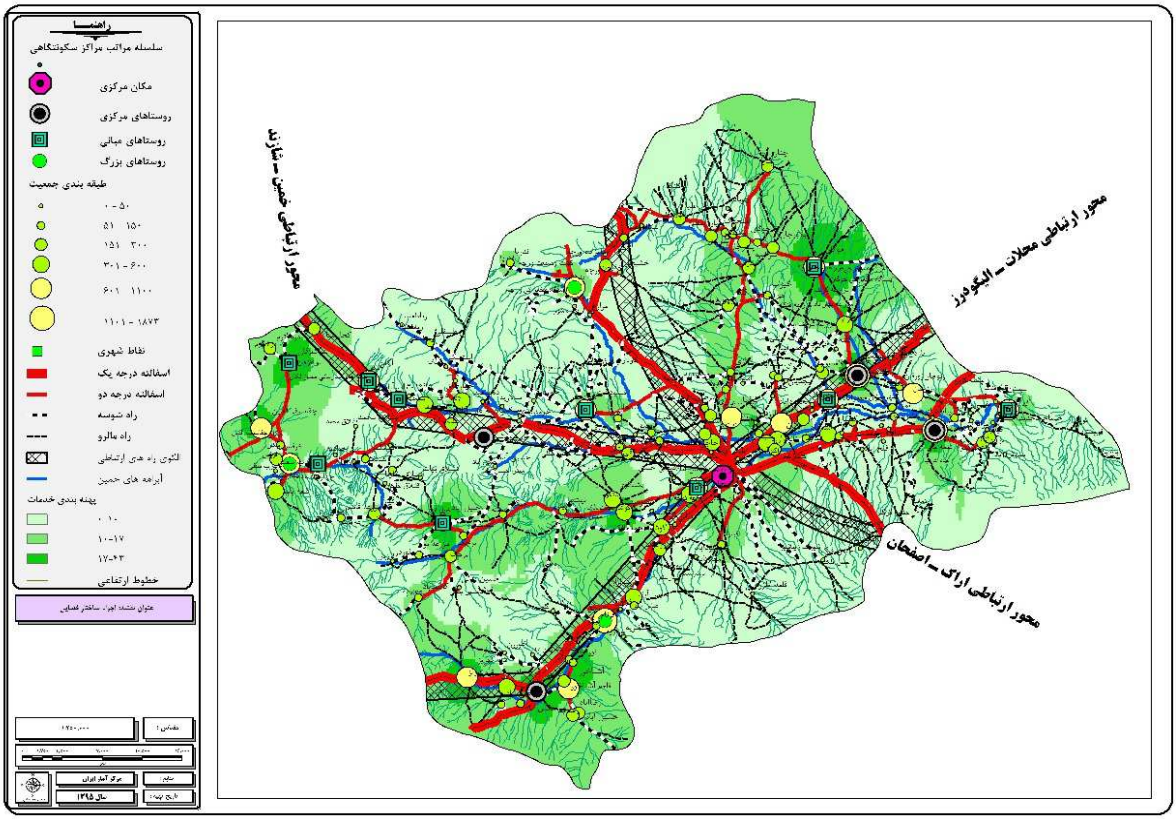

شکل شماره (۳): ساختار فضایی ناحیه خمین

۵) نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در ناحیه خمین مشخص می‌شود که مجموع عوامل محیطی‌ـ بوم شناختی(ارتفاع، آب و خاک) و انسانساخت (راه، خدمات و صنعت) موجب شکل‌گیری ساختار فضایی ناحیه خمین در وضعیت فعلی شده‌اند. عنصر توپوگرافی و منابع آب از جمله عناصر اصلی در نحوه استقرار

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]
[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

و توزیع جمعیت و خدمات در سطح ناحیه هستند. در قسمت دشتی که دسترسی به منابع آب سطحی و خاک مناسب بوده، شاهد تراکم نقاط شهری و روستایی و دسترسی به خدمات بهتر و راه‌های ارتباطی هستیم. در حوزه عناصر انسانساخت، راه‌های ارتباطی با عملکرد منطقه‌ای و ناحیه‌ای از جمله عناصر اصلی و مؤثر در استقرار نقاط و ارتقاء نقش و عملکرد این نقاط هستند. بر این اساس مجموع این عناصر موجب شکل‌گیری ساختار فضایی در ناحیه خمین شده است که در قسمت مرکزی و دشتی شاهد بالا بودن تراکم جمعیت، خدمات و راه‌هایی ارتباطی هستیم و در سایر قسمت‌های ناحیه این شاخص‌ها از وضعیت مطلوبی برخوردار نیستند. پیامد حاصل از این ساختار فضایی موجب رها شدگی بسیاری از سکونتگاه‌ها در قسمت‌های حاشیه‌ای، تخلیه جمعیتی، مهاجرت، بهره‌گیری بیش از حد از منابع طبیعی در قسمت-های با تراکم بالای جمعیت، کاهش شدید منابع آب و به نوعی شکل گیری نوعی نابرابری فضایی در سطح ناحیه است.

بررسی ویژگی‌های سکونتگاهی ناحیهٔ خمین نشان می‌دهد که برای رسیدن به الگوی مطلوب سکونتگاهی در ناحیه نیازمند این هستیم که سکونتگاه‌های در سطح۲، ۳ و ۴ تقویت کنیم. در وضعیت فعلی الگوی عملکردی حاکم بر ناحیه از کارآمدی لازم برخوردار نیست. درواقع، در این وضعیت تنها ۴/۲ درصد از سکونتگاه‌های روستایی ناحیه نیازها و تقاضاهای سایر سکونتگاه‌ها را برآورده می‌کنند. در حال حاضر شهر خمین سلطه خود را بر تمام آبادی‌ها حفظ نموده است. بعد از شهر خمین، تنها سه‌نقطه روستایی دهنو، رباط مراد و شهابیه و شهر قورچی باشی(۲/۹ ٪) به‌طور نسبی از امکانات و خدمات کافی برخوردار هستند.

در سطح حوزه‌ها نیز تفاوت‌ها و نارسایی‌های سکونتگاهی آشکارا موجب نبود تناسب عملکردی الگوی فضایی منظم و سلسله مراتبی شده است. بر این اساس دهستان حمزه لو که در شمال ناحیه خمین قرارگرفته فاقد هیچ‌گونه سطوح سلسله مراتبی است؛ درصورتی‌که دهستان رستاق به دلیل نزدیکی به شهر خمین دارای یک مکان مرکزی، یک روستای بزرگ و یک روستای میانی است. دهستان آشناخور نیز دارای تنها یک روستای مرکزی است و سطوحی در سطح ناحیه شکل نگرفته است.

بر این اساس به دلیل فقدان سطوح مناسب در سطح ناحیه شاهد فشار فضایی بیش‌ازحد جمعیت روستاهای ناحیه به شهر خمین جهت تأمین نیازها هستیم. درواقع فقدان خدمات مناسب در سطح سکونتگاه‌های سطح بالای ناحیه ازیک‌طرف و از طرف دیگر سلطه شهر خمین در همه جریان‌های درون ناحیه موجب شده است. تمام روستاهای ناحیه جهت تأمین نیازها و خدمات به شهر خمین مراجعه کنند. جهت رسیدن به سازمان فضایی مطلوب در سطح ناحیه باید همه این ساختارهای فضایی حاکم بر ناحیه را مدنظر قرار دهیم. ناحیه خمین دارای ساختار فضایی خطی شمال شرقی ـ جنوب غربی است به صورتی که بیشترین جمعیت، خدمات و راه‌های ارتباطی مناسب در این قسمت استقراریافته است و نواحی شمالی

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

و غربی و شرقی ناحیه از وضعیت مناسبی به لحاظ خدمات، توزیع جمعیت و راه‌های ارتباطی برخوردار نیستند. بر این اساس سازمان فضایی مطلوب ناحیه نیازمند این است که این ساختارهای فضایی را مدنظر قرار دهد و سعی در تسری توسعه به سایر حوزه‌ها نماید. همچنین برای ایجاد دگرگونی مثبت (توسعه) در کلیت نظام مکانی-فضای، اعم از شهر و روستا، تحول ساختاری -کارکردی الزامی است. به همین دلیل، هرگاه در یک یا چند جزء ساختاری یا کارکردی تغییری ایجاد شود، کل نظام فضایی دچار تحول خواهد شد. این تغییرات همیشه و همه‌جا ممکن است در راستای بهبود نظام نباشد. البته، تغییراتی که آگاهانه، هوشمندانه و بر مبنای برنامهٔ اندیشیده باشند، می‌توانند نظام فضایی را به سوی تحول مثبت به پیش ببرند. بر همین اساس برنامه‌ریزی فضایی آگاهانه و هوشمندانه که تمام ساختارها و کارکردهای حاکم بر ناحیه خمین را مدنظر قرار دهد می‌تواند موجب ایجاد دگرگونی مثبت در سطح ناحیه شود.

۶) منابع

- بیات، مصطفی، (۱۳۹۰)، **روند تحولات مورفولوژی زراعی سکونتگاه‌های روستایی دهستان صالحان (شهرستان خمین) طی دوره زمانی (۸۵-۱۳۴۱)**،کارشناسی ارشد، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- توفیق،فیروز، (۱۳۸۴)، **آمایش سرزمین تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران**، تهران: وزارت مسکن و شهرسازی معاونت شهرسازی و معمار ی.
- حمصی، محمد، (۱۳۵۳)، **روشی برای تقسیم بندی شهر ها و مناطق همگن اقتصادی و اجتماعی ایران**. مجله خرد و کوشش.
- ژروم, مونو و پاژک، فیلیپ. دوکاستل. (۱۳۷۳)، **آمایش سرزمین** (ترجمه. ن. موفقیان,): مرکز مطالعات برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.
- فرهادی، مرتضی، (۱۳۶۳)، **خمین و کمره در سفرنامه ها** .تحقیقات جغرافیایی ,۱۱۶-۱۴۶ .
- سعیدی، عباس، (۱۳۸۴)، **ناکارآمدی ساختاری-عملکردی نظامم های فضایی ناحیه ای مورد: ناحیه باغملک (شرق خوزستان)** ، جغرافیا و توسعه ناحیه ای.(۵)
- سعیدی، عباس، (۱۳۸۹)، **محیط، فضا و توسعه بحثی در ضرورت توسعه یکپارچه روستایی ـ شهری** .مسکن و محیط روستا(۱۳۱) ,۱۲-۱۳.
- سعیدی، عباس، (۱۳۹۰)، **مفاهیم بنیادین در برنامه ریزی کالبدی -فضای(بخش نخست)** .برنامه ریزی کالبدی -فضایی ,۱(۱) ,۲۶-۹
- سعیدی، عباس، (۱۳۹۰)، **پویش ساختاری- کارکردی رویکردی نظام وار در مطالعات مکانی-فضایی** .فصلنامه علمی-پزوهشی انجمن جغرافیای ایران(۲۹) ,۱۶-۱۷ .
- سعیدی، عباس، (۱۳۹۱). **پویش ساختاری - کارکردی : رویکردی بدیل در برنامه ریزی فضایی**. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی(۱), ۱۸-۱۱.

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]

- سعیدی، عباس، (۱۳۹۲)، **مفاهیم بنیادین در برنامه‌ریزی کالبدی -فضایی (بخش دوم)** .برنامه ریزی کالبدی - فضایی ,۱۰(۱) ,۱۱-۲۴ .
- سعیدی، عباس، عبدالرضا رحمانی فضلی، فرهاد عزیزپور و علی اکبر محبی، (۱۳۹۲)، **مسکن و پیوستگی ساختاری ـ کارکردی: بحثی در نظاموارگی فضای روستایی مورد: روستاهای بخش راز و جرگلان شهرستان بجنورد(خراسان شمالی)**، *فصلنامه بین المللی انجمن جغرافیای ایران ,۱۱* (۳۹) ,۳۲-۷ .
- سعیدی، عباس، (۱۳۹۳) **توسعه پایدار: شالوده ها و الزامات، جغرافیا و توسعه**(صص.۹۱-۶۱). قطب علمی توسعه پایدار دانشگاه شهید بهشتی :انتشارات دانشگاه شهید بهشتی
- سعیدی، عباس، (۱۳۹۳) **پیوستگی توسعهٔ روستاـ شهری در قالب منظومه های روستایی در راستای توسعه متوازن و منطقه ای** ، همایش ملی توسعه پایدار و متوازن منطقه ای وزارت کشور، تهران.
- سعیدی، عباس، (۱۳۹۳). **جایگاه منظومه های روستایی در برنامه ریزی توسعهٔ پایدار کالبدی ـ فضایی،** همایش برنامه ریزی کالبدی فضایی توسعهٔ پایدار روستایی ,اردبیل
- Albrechts, Louis, Healey, Patsy & Kunzmann, Klaus R. (2003). **Strategic spatial planning and regional governance in Europe**. American Planning Association, 69(2), 113.
- Albrechts, Louis. (2004). **Strategic (spatial) planning reexamined.** Environment and Planning**,** B, 31, 743-758 .
- Albrechts, Louis (2015). **Breaking out of the box: ingredients for a more radical planning**. Procedia-Social and Behavioral Sciences, 184, 104-110.
- Alden, J. (2012). **Regional development and spatial planning in an enlarged European Union**: Ashgate Publishing, Ltd.
- Davoudi, Simin., & Strange, Ian. (2008). **Conceptions of space and place in strategic spatial planning**: Routledge.
- Healey, Patsy (2004). **The treatment of space and place in the new strategic spatial planning in Europe**. International journal of urban and regional research, 28(1), 45-67
- Healey, Patsy. (1997). **Making strategic spatial plans: innovation in Europe**: Psychology Press.

[Downloaded from serd.khu.ac.ir on 2024-10-12]

[DOI: 10.18869/acadpub.serd.6.20.41]